قاتل مأمور کلانتری ۱۰۶ نامجو صحنه قتل را بازسازی کرد

آخرین مأموریت پلیس فداکار

شهید کیوان‌لو

گروه حوادث/ سارق خانه که برای فرار از دست پلیس مأمور کلانتری را به شهادت رسانده بود ساعاتی بعد از جنایت در حضور بازپرس جنایی تهران به بازسازی صحنه قتل پرداخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۵ بامداد یکشنبه ۱۳ شهریور دختر جوانی که تنها در خانه‌اش زندگی می‌کرد با شنیدن صدایی عجیب از خواب پرید. ناگهان پشت پنجره بالکن اتاقش، سایه‌ای دید وقتی بیشتر دقت کرد متوجه شد فردی در حال تلاش برای باز کردن قفل در است. دختر جوان بلافاصله تلفن همراهش را برداشت و با برادرش تماس گرفت بعد با صدایی لرزان و آرام گفت: «دزد آمده و می‌خواهد وارد خانه شود.» دختر جوان خواست ادامه دهد که ناگهان دو مرد ناشناس را بالای سرش دید.

یکی از سارقان که صورتش را با نقاب پوشانده بود چاقو را به طرف دختر جوان گرفت و تهدید کرد که اگر سروصدا کند زنده نخواهد ماند. بعد هم دست و پای دختر جوان را بست و به جست‌وجو در داخل خانه پرداختند. آنها طلاهای دختر جوان، دستگاه بازی رایانه‌ای و مقداری وسایل باارزش خانه را داخل ساکی که به همراه داشتند قرار دادند.

■ حضور پلیس در خانه

ساعت ۵:۳۰ صبح برادر دختر جوان هراسان خود را به کانکس پلیس واقع در میدان امام حسین(ع) رساند و گفت: خواهرم در مجتمعی در محدوده خیابان نامجو زندگی می‌کند. لحظاتی قبل با من تماس گرفت و مدعی شد که دزد وارد خانه شده است. بعد هم سروصدایی آمد و تماس قطع شد.

بلافاصله مرد جوان به همراه دو مأمور کلانتری ۱۰۶ نامجو سوار بر موتورسیکلت راهی خانه دختر جوان شدند. به محض اینکه مقابل در ورودی مجتمع رسیدند ناگهان در باز شد و دو مرد نقاب‌دار که یکی از آنها ساکی به‌دست داشت مقابل در ظاهر شد. مأموران اولین متهم را دستگیر کردند اما متهم دوم به داخل مجتمع برگشت و از راه پله‌ها به سمت طبقه پنجم رفت. در این میان یکی از مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو مقابل در ایستاد و مأمور دوم به نام استوار یکم امیر کیوان‌لو به‌دنبال متهم فراری وارد ساختمان شد. در راه پله‌ها سارق جوان با مأمور پلیس درگیر شد و با چاقویی که به همراه داشت به شکم او ضربه زد.

مأمور پلیس که به‌شدت زخمی شده بود به‌دنبال سارق که به سمت در خروجی فرار کرده بود رفت و سعی کرد متهم را دستگیر کند و در این میان مأمور دوم وارد عمل شده و متهم فراری را به دام انداخت.

■ بازسازی صحنه جنایت

مأمور مجروح بلافاصله توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شد اما شدت خونریزی باعث مرگ وی شد. به‌دنبال شهادت مأمور جوان که به‌تازگی نیز ازدواج کرده بود، بازپرس ساسان غلامی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند.

در تحقیقات اولیه قاتل به بازسازی صحنه سرقت پرداخت و به تیم جنایی گفت: یک سابقه سرقت دارم وقتی از زندان آزاد شدم با همدستم تصمیم به سرقت گرفتیم. ما سارق بالکن‌رو هستیم و بامداد روز حادثه با این تصور که صاحبان خانه‌ها خواب هستند و فرصتی مناسب برای سرقت است، راهی خیابان‌ها شده تا منزلی را برای سرقت انتخاب کنیم. پس از پرسه‌زنی در محدوده خیابان نامجو، متوجه مجتمعی شدیم. از طریق بالکن وارد شدیم اما دختر جوان متوجه ما شد. ما نیز با تهدید چاقو دست و پایش را بسته و سرقت را انجام دادیم.

او ادامه داد: بعد از سرقت در حال خروج از ساختمان بودیم که با مأموران مواجه شدیم. در یک لحظه تصمیم گرفتم از طریق راه پله‌ها خودم را به پشت بام برسانم و فرار کنم. اما متوجه شدم در پشت بام بسته است و راه رفته را برگشتم که با مأمور پلیس مواجه شدم. از ترس دستگیری، ناگهان با چاقویی که به همراه داشتم یک ضربه زده و متواری شدم.

بازسازی صحنه جرم با حضور بازپرس جنایی

به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

■ تشییع پیکر مأمور شهید

تشییع پیکر شهید مدافع امنیت امیر کیوان‌لو صبح امروز از میدان امام حسین(ع) تهران با حضور خانواده این شهید و فرماندهان پلیس برگزار می‌شود. مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ در این مورد اعلامیه‌ای صادر و اطلاع رسانی کرده بود.

■ دستور دادستان برای رسیدگی خارج از نوبت

در پی شهادت استوار یکم امیر کیوان‌لو در حین دستگیری این سارق مسلح، علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران به دادسرای عمومی و انقلاب تهران دستور داد تا پرونده این جنایت، به‌طور ویژه و خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار گیرد. رئیس کل دادگستری استان تهران با تأکید بر این گزاره که امنیت شهروندان خط قرمز دستگاه قضایی محسوب می‌شود و در برابر مخلان امنیت عمومی و آرامش شهروندان هیچ‌گونه تسامحی صورت نخواهد گرفت، گفت: اشخاصی که قصد داشته باشند به هر طریقی امنیت عمومی و آرامش شهروندان را زیرسؤال ببرند، یقین داشته باشند که با سیلی قانون مواجه خواهند شد.

دادگاه خانواده

درخواست طلاق از شوهر به خاطر دزدی

گروه حوادث- کامران علمدهی/ برخی از زوجین بر این باورند که دادگاه خانواده به منزله آخر خط زندگی مشترک است و پس از مراجعه به آنجا باید منتظر صدور حکم طلاق باشند. یکی از همین زوجین سهراب و همسرش مهتاب هستند که در طبقه دوم دادگاه منتظر رسیدن نوبت رسیدگی به پرونده خود بودند.

بالاخره عقربه‌های ساعت به ۱۱ رسید و آنها وارد شعبه شدند. قاضی مردی میانسال بود و در حالی که نیم‌نگاهی به دادخواست این زوج می‌کرد دستی به ته‌ریش سفیدش کشید و رو به سهراب کرد و پرسید: خب مشکل‌تان چیست؟

تا سهراب خواست حرف بزند مهتاب بلافاصله گفت: جناب قاضی ایشان مشکلی ندارند من با او مشکل دارم. ۵ سال با یک دزد زندگی کردم و دم نزدم.

سهراب با اعتراض گفت: درست صحبت کن من چه کار خلافی کردم؟

مهتاب بدون توجه به حرف‌های همسرش ادامه داد: ۲۲ ساله بودم که به واسطه یکی از دوستانم با سهراب که مأمور خرید یک شرکت خصوصی بود، آشنا شدم. مثل خیلی از زوج‌ها به‌صورت سنتی مراسم خواستگاری انجام شد و ما بعد از ۶ ماه باهم ازدواج کردیم. اولین بار که سهراب من را شوکه کرد زمانی بود که برای پاگشا به خانه عمویم دعوت شدیم و در عین ناباوری ناگهان دیدم که او چند تراول را از روی میز ناهارخوری یواشکی برداشت و به روی خودش نیاورد. آن روز آنقدر در شوک بودم که وقتی به خانه برگشتیم اولین سؤالم از او این بود که چرا آن پول‌ها را برداشتی و سهراب در کمال خونسردی ابتدا منکر شد اما وقتی فهمید که من او را دیده بودم گفت فکر کردم کادوی پاگشا کردن‌مان است و بعد هم دیگر نمی‌شد آن را برگردانم چون ممکن بود کسی آن را ببیند.

سهراب خیلی قاطع رو به قاضی گفت: خب جناب قاضی فکر کردم تراول‌های روی میز ناهارخوری کادوی عروسی‌مان است!

مهتاب ادامه داد: هفته بعد به خانه دایی‌ام رفتیم که سهراب به بهانه تلفن حرف زدن به یکی از اتاق‌های خانه رفت بعد از چند دقیقه که به سراغش رفتم دیدم در حال بازی کردن با انگشتری است که روی میز آرایش قرار داشت. اول فکر کردم حواسش نیست اما بعد از قطع کردن تلفن آن را در جیبش گذاشت. آن روز هم به خاطر حفظ آبرویم حرفی نزدم. وقتی به خانه‌مان برگشتیم گفتم چرا انگشتر را برداشتی؟ او بی‌تفاوت دست در جیبش کرد و گفت ای بابا حواسم نبود کاش آنجا گفته بودی تا آن را سرجایش بگذارم.

سهراب دوباره در واکنش به مهتاب جواب داد: خب حواسم نبود مگه دروغ گفتم! همه اینها سوءتفاهمه!

مهتاب در حالی که صورتش برافروخته شده بود، گفت: گم شدن کیف شوهر خاله‌ام، دستبند طلای پسرعمه‌ام و ناپدید شدن یک دست قاشق نقره خانه مادربزرگم هم سوءتفاهمه؟!

جناب قاضی من الان دیگر مطمئن شدم که سرقت از اقوام و آشنایان اصلاً تصادفی یا سهوی نبوده است. من از ترس اینکه خانواده‌ام به این گم شدن‌های مرموز وسایل‌شان مشکوک نشوند و تهمتی متوجه ما نشود دیگر با شوهرم به خانه اقوامم نمی‌روم تا مبادا آبروریزی شود.

بعد به‌سرعت در کیفش را باز کرد و چند کاغذ بیرون کشید و جلوی میز قاضی رفت و با نشان دادن آن گفت: جناب قاضی به این فاکتورها که مربوط به چند سال قبل است نگاه کنید. این آقا با فاکتورسازی یک جنس مثلاً ۱۰ هزار تومانی را با شرکت ۱۵ هزار تومان حساب می‌کند. باید همان موقع که با آب و تاب از زیرکی و فاکتورسازی همکارانش تعریف می‌کرد می‌فهمیدم که اینها کار خودش بوده است. آقای قاضی اگر سهراب یادش رفته که برای توجیه کارهایش چه حرفی به من می‌زد من فراموش نکرده‌ام که همیشه می‌گفت: «دزد نگرفته پادشاه است!»

در این لحظه سهراب با رنگی پریده جواب داد: آقای قاضی من فکر می‌کردم همسرم رازدار من است و هیچ وقت فکر نمی‌کردم از او نارو بخورم. اولاً من فقط کارهایی که دوستانم در محل کارهای‌شان انجام می‌دادند را برایش تعریف کرده‌ام و خودم هیچ‌وقت دست به چنین کارهایی نزدم. دوماً کشیدن روی قیمت اجناس، یک مسأله بازاری است فروشنده تخفیف را به من می‌دهد نه شرکت. بنابراین او با قیمت اصلی جنس را فاکتور می‌کند. سوماً من اصلاً یادم نمیاد که راجع به دزد و پادشاه چیزی گفته باشم. الان هم نمی‌دانم که همسرم با مطرح کردن این حرف‌ها و مجرم نشان دادن من چه هدفی دارد. اگر نمی‌خواهی با من زندگی کنی چرا به من تهمت دزدی می‌زنی. اگر هم می‌خواهی زندگی کنی اشکالی ندارد من تو را می‌بخشم.

مهتاب با تعجب جواب داد: الان من متهم شدم؟ الان تو من را می‌بخشی؟ جناب قاضی همین وقاحت همسرم باعث شده تا نتوانم دیگر با او زندگی کنم. من طلاق می‌خواهم...

قاضی هر دو نفر را به آرامش دعوت کرد و سکوتی بر جلسه حاکم شد.

چند دقیقه بعد قاضی رو به مهتاب کرد و گفت: من اینجا نمی‌توانم به ادعای شما درباره دزدی ایشان رسیدگی کنم ضمن اینکه باید مدرک و سند داشته باشیم. من یک فرصت سه‌ماهه به شما می‌دهم و فرض را براین می‌گذاریم که شما دچار سوءتفاهم شده‌اید. هر دو به جلسات مشاوره بروید و در این مدت هم شما تلاش کنید با نگاهی نو همسرتان را زیر نظر داشته باشید. اگر در این مدت مجاب شدید که سوءتفاهم بوده که ان‌شاءالله در ادامه زندگی خوشبخت شوید اگر هم برای‌تان محرز شد که سوءتفاهمی در کار نبوده درباره ادامه زندگی شما تصمیم دیگری می‌گیرم.

نگاه کارشناس

■ احمد نوروند
کارشناس علوم تربیتی

بررسی داستان زندگی این زوج نشان می‌دهد که آنها نه‌تنها پیش و پس از ازدواج با مشاور یا روانشناس مشورت نکرده‌اند بلکه هیچ شناخت درستی هم نسبت به هم نداشته‌اند. در بسیاری از زندگی‌های مشترک می‌بینیم که مشکلات به‌مراتب بزرگ‌تری به وجود آمده اما به‌خاطر شناخت و همراهی زوجین مشکل مرتفع شده و آنها به زندگی‌شان ادامه داده‌اند. در بخشی از این پرونده می‌بینیم که مرد عنوان می‌کند؛ همسرم همراه و همرازم نبود. این جمله هم بعد منفی دارد و هم بعد مثبت و اگر از جنبه مثبت به آن نگاه کنیم به این معنی است که زن می‌توانست با شناخت بیشتر از مردی که مدام برای توجیه کارهای نادرستش به دنبال قانع‌سازی طرف مقابل است، با استدلال و منطق دیگر و دقیق‌تری به مواجهه با مشکلات‌شان می‌رفت و آن را به گونه‌ای حل و فصل می‌کرد که بهترین راه را آخرین راه نبیند.

اعدام

عاملان شهادت ۲ مأمور پلیس راه زاهدان

گروه حوادث/ عاملان به شهادت رساندن دو مأمور انتظامی پلیس راه زاهدان - خاش سحرگاه شنبه به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۶:۳۰ عصر پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت سال ۹۲ در جاده محور زاهدان- خاش یک دستگاه موتور تریل که راکبین آن مسلح به سلاح گرم بودند به سمت اکیپ پلیس راه تیراندازی کردند. اکیپ پلیس راه در ۴۰ کیلومتری قطار خنجک(جون آباد) در مسیر زاهدان خاش مستقر بودند که اشرار مسلح با نزدیک شدن به خودروی پلیس، سرنشینان را به رگبار بسته و از محل متواری شدند. براثراین حادثه سرپرست گشت ستوان یکم محمد حسین دانشمندی و راننده گشت گروهبان یکم احمد بالش آبادی بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسیدند.

در پی تیراندازی اشرار مسلح به سمت مأموران گشت پلیس راه در محور زاهدان- خاش در حین انجام وظیفه و ارتکاب جنایت شناسایی و دستگیری متهمان توسط مأموران انتظامی و کارآگاهان پلیس به‌صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت و سرانجام قاتلان به هویت عین‌الله قنبرزهی گرگیج و نصرالله قنبرزهی گرگیج، خرداد سال ۱۳۹۲ طی یک عملیات ضربتی و هماهنگ دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

سرانجام پس از گذشت حدود ۹ سال از این ماجرا دو عامل این جنایت پس از تأیید حکم محکومیت به قصاص نفس در دیوان عالی کشور، سحرگاه شنبه دوازدهم شهریور امسال به سزای عمل خود رسیده و به دار مجازات آویخته شدند.

متهم در دادگاه:

به خاطر یک میله آهنی قاتل شدم

گروه حوادث/ مرد جوانی که هفت سال قبل بر سر جمع کردن ضایعات از سطل زباله مرتکب قتل مرد سالخورده‌ای شده و در دادگاه به قصاص محکوم شده بود، با اخذ رضایت از اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۸ بهمن سال ۹۴ با گزارش درگیری میان دو ضایعات جمع‌کن در میدان محمدیه آغاز شد. پس از حضور مأموران مشخص شد مرد جوان با یک میله آهنی مرد سالخورده‌ای را به قتل رسانده و بعد از آن قصد داشته از محل متواری شود که توسط چند عابر بازداشت و تحویل پلیس شد.

متهم ۳۵ ساله پس از دستگیری اعتراف کرد و گفت: من در پیک موتوری کار می‌کردم که موتورم خراب شد و با مشکل مالی مواجه شدم. به همین خاطر تصمیم گرفتم از داخل سطل زباله ضایعات جمع کنم و بفروشم. روز حادثه یک میله آهنی از روی زمین برداشتم و در حال گشتن در سطل زباله بودم که مقتول سر رسید و از من خواست تا میله را به او بدهم هرچقدر تلاش کردم که نتواند میله را بگیرد، او توجهی نکرد و در نهایت باهم درگیر شدیم و من چند ضربه به سرش زدم که بر زمین افتاد.

پس از تکمیل تحقیقات، پرونده متهم برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دادگاه برادر مقتول به نیابت از خود و دو خواهرش درخواست قصاص کرد.

در پایان جلسه نیز متهم به قصاص محکوم شد و حکم در شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد. در حالی که متهم در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، موفق شد رضایت اولیای دم را جلب کند و این بار از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. به این ترتیب متهم پس از ۷ سال در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد. وی در این جلسه ضمن ابراز ندامت گفت: روز حادثه شیشه مصرف کرده بودم و به خاطر وضعیت مالی بد و اینکه هیچ پولی برای امرار معاش نداشتم، دچار این گرفتاری شدم. قصدم هم کشتن و آسیب زدن به کسی نبود. حالا هم بشدت پشیمانم و از قضات می‌خواهم تا حد امکان در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

در پایان جلسه قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

کلاهبرداری به بهانه کمک به بی‌خانمان‌ها

گروه حوادث/ دادستان مرکز استان آذربایجان شرقی از کلاهبرداری با شیوه جمع‌آوری کمک برای افرادی که صاحبخانه اسباب و اثاثیه‌شان را بیرون ریخته، خبر داد.

بابک محبوب علیلو، دادستان مرکز استان آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با خبرنگاران در رابطه با کلیپ‌هایی با مضمون بیرون ریختن لوازم زندگی خانواده‌ای به خاطر تأمین نکردن اجاره‌بها و زندگی داخل چادر و پارک اظهار کرد: مدتی است که فیلم‌هایی در فضای مجازی منتشر می‌شود که در آن نشان داده می‌شود صاحبخانه به خاطر اینکه مستأجر توان پرداخت اجاره را نداشته وسایل زندگی او را بیرون ریخته و خانواده در چادر کنار خیابان زندگی می‌کنند بعد شماره حساب یا شماره کارتی داده می‌شود و از مردم برای واریز مبالغی به حساب خاص درخواست می‌شود. وی ادامه داد: پس از بررسی چند مورد مشخص شد که این موارد از اساس کذب بوده و برای اخذ وجوهی از مردم بعضی اشخاص با توسل به رفتارها و وسایل متقلبانه مشابه مرتکب کلاهبرداری می‌شوند.

دادستان مرکز استان آذربایجان شرقی خاطرنشان کرد: از مردم درخواست داریم در چنین مواردی مبلغی واریز نکنند و موضوع را به مبادی مربوطه اعلام کنند.

اگر خانواده‌ای واقعاً نیازمند باشد برای رفع مشکلاتشان از طریق نهادهای حمایتی کمک خواهد شد. محبوب علیلو تأکید کرد: از رسانه‌ها نیز انتظار داریم چنین مسائلی را تحت هیچ شرایطی منتشر نکنند چرا که انتشار چنین مسائلی از سوی رسانه‌ها جرم تلقی شده و قابلیت تعقیب کیفری دارد.

قتل همخانه ای به خاطر اختلاف

گروه حوادث/ پسر جوان که پس از قتل همخانه‌ای معتادش سروی را بریده و در سطل زباله انداخته بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح شنبه یکی از ساکنان فاز ۶ شهر پرند هنگامی که قصد داشت کیسه زباله خانگی‌اش را داخل سطل زباله بیندازد ناگهان با سریک انسان رو به رو شد. وی که بشدت شوکه شده بود با پلیس تماس گرفت. وقتی کارآگاهان پلیس غرب استان تهران به محل حادثه رفتند متوجه شدند سر متعلق به مردی میانسال و در ادامه پیگیری متوجه شدند خانه‌اش در همان نزدیکی بوده است. در حالی که تحقیقات ادامه داشت مأموران پلیس به پسر جوانی که در اطراف محل حادثه ایستاده و رفتار عجیبی داشت مشکوک شدند و وقتی وی را تحت بازجویی قرار دادند پسر ۲۹ ساله خیلی زود اعتراف کرد. سپس تیم جنایی به همراه متهم به خانه مقتول که در طبقه چهاردهم یک مجتمع مسکونی بود رفته و به محض ورود در یکی از اتاق‌ها جسد بدون سر مقتول را پیدا کردند.

متهم در ادامه مدعی شد که این مرد میانسال معتاد به هرویین بوده و چند وقتی با وی به‌صورت مجردی زندگی می‌کرده اما به خاطر اختلافات شدید او را به قتل رسانده است. بنابر این گزارش، پلیس مدعی است این جوان تاکنون تناقض‌گویی‌های متعددی داشته است و هنوز انگیزه واقعی او برای کشتن مقتول مشخص نیست و بازجویی از وی ادامه دارد.

برادرکشی به خاطر اعتیاد

گروه حوادث/ مرد جوان که به خاطر اعتیاد برادرش وی را به قتل رسانده بود دستگیر شد.

سرهنگ «نوذر شاه حسینی» فرمانده انتظامی سرپل ذهاب در تشریح این خبر گفت: پس از اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع درگیری با سلاح سرد در یکی از محله‌های شهر سرپل ذهاب، تیمی از مأموران بسرعت در محل حاضر شدند. مأموران پس از حضور در محل حادثه و انجام تحقیقات ابتدایی دریافتند جوان ۳۵ ساله‌ای به وسیله چاقو چند ضربه به شکم و کمر برادر ۲۸ ساله خود وارد کرده و در نهایت باعث مرگ وی شده است. قاتل که در صحنه حضور داشت پس از دستگیری در بازجویی‌ها انگیزه‌اش را از این کار اعتیاد برادرش و اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

رئیس پلیس شهرستان سرپل ذهاب در پایان با اشاره به تشکیل پرونده‌ای در این خصوص از معرفی قاتل به دستگاه قضایی برای سیر مراحل قانونی خبر داد.

دستگیری سارقان ناکام طلافروشی

گروه حوادث/ سردسته باند سرقت ناکام از طلافروشی در شرق پایتخت، سارق بدشانسی بود که دو بار دیگر شانس خود را برای سرقت امتحان کرده اما هر دو بار با شکست مواجه شده بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چهارم شهریور امسال، مأموران گشت پلیس در یکی از محله‌های تهرانپارس به خودرویی با پنج سرنشین مشکوک شدند. با استعلام شماره پلاک خودرو مشخص شد خودرو ساعاتی قبل، از مقابل خانه‌ای به سرقت رفته و صاحب آن گزارش این سرقت را اعلام کرده است. در حالی که خودروی مسروقه به صورت نامحسوس زیر نظر گرفته شده بود، مأموران متوجه شدند سرنشینان خودرو مسلح بوده و قصد سرقت از طلافروشی را دارند، اما زمانی که سارقان از خودرو پیاده شدند تا نقشه‌ای که در سر داشتند را اجرا کنند، مأموران گشت وارد عمل شده و بدین ترتیب سرقت ناکام ماند و سارقان با دیدن مأموران اقدام به فرار کردند. تعقیب و گریز آغاز شد و مأموران با شلیک تیر به لاستیک‌های خودرو آن را پنچر کردند، اما سارقان همچنان اقدام به فرار کرده و به دنبال این فرار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند.

■ سرقت خودروی آزرا

در حالی که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت، سرقت یک خودروی آزرا به پلیس اعلام شد. راننده خودرو مدعی بود: سوار بر خودروام در خیابان در حال حرکت بودم که خودرویی راهم را سد کرد و مردانی مسلح با اسلحه کلاشنیکف مرا تهدید و به زور از خودرو پیاده کرده و خودروام را به سرقت بردند. بررسی‌های مأموران نشان می‌داد سارقان آزرا همان مردان خشنی هستند که قصد سرقت مسلحانه از طلافروشی را داشتند. مشخصات خودروی سرقتی به کلیه واحدهای گشت اعلام شد و بررسی‌ها ادامه داشت تا اینکه رد خودروی سرقتی در یکی از شهرستان‌های غربی کشور به دست آمد.

مأموران دریافتند پسری ۱۹ ساله با خودروی سرقتی در شهر تردد دارد و او بلافاصله بازداشت شد. متهم در تحقیقات به همدستی با ۴ پسر دیگر اعتراف کرد: من به همراه آرمین و سه همدست دیگر او، سرقت را انجام دادیم و آرمین و همدستانش در یکی از استان‌های مرکزی کشور هستند. او ادامه داد: ما ۵ دوست بودیم که در دورهمی‌هایمان فیلم‌های سرقت از طلافروشی‌ها را می‌دیدیم و همین مسأله باعث شد به فکر سرقت مسلحانه از طلافروشی بیفتیم و با این کار پول زیادی به جیب بزنیم. روز حادثه خودرویی را سرقت کرده و در حین پرسه‌زنی یک طلافروشی را انتخاب کردیم. قصد سرقت داشتیم که گشت پلیس متوجه شد و نقشه‌مان ناتمام ماند. با اعتراف متهم، در بازرسی از خانه‌اش سلاح و تعدادی خشاب کشف شد. آرمین در تحقیقات به سرقت ناموفق طلافروشی اعتراف کرد و گفت: یک ماه قبل از سرقت، گروهی تشکیل دادیم که نقشه سرقت مسلحانه را اجرا کنیم اما موفق نشدیم. زمستان سال گذشته نیز به همراه اکیپی دیگر برای سرقت به یکی از منطقه‌های شرق تهران رفتیم اما آن سرقت هم ناموفق ماند. من آدم بدشانسی هستم چراکه مدتی قبل هم به همراه همدست ۱۸ ساله‌ام برای سرقت دیگری وارد عمل شدیم که متأسفانه سرقت سوم هم ناکام ماند و در نهایت دستگیر شدم. تحقیقات برای دستگیری سایر اعضای باند سرقت به دستور بازپرس اکبری شعبه اول دادسرای ویژه سرقت در حالی ادامه دارد که دو متهم بازداشت شده در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شدند.